| باسمه تعالی | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| مدیریت آموزش و پرورش شهرستان **بهار** | **دبیرستان نمونه دولتی امام موسی کاظم (ع)** | نمره: | مهر آموزشگاه | | |
| **سوالات ارزشیابی نوبت: اول** | درس: فارسی ۳ | پایه: دوازدهم تجربی | | | |
| **شامل ۲۲ سوال در ۳ صفحه** | **تاریخ آزمون:۱۴۰۲/۱۰/۱۱** | **مدت امتحان: ۶۰ دقیقه** | | | |
| **نام** | **نام خانوادگی** | **کد دانش آموزی** | **شماره صندلی** | **نام دبیر** | |
| | | | | | |

| ردیف | سؤالات | بارم |
|---|---|---|
| ۱ | **الف) قلمرو زبانی (معنی واژه، املا و دستور زبان) ۷ نمره**<br>**۱- معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.**<br>الف) پروانه قوت از عشق آتش خورد<br>ب) گفت باید حد زند هشیار مردم مست را<br>ج) دست انابت به امید اجابت<br>د) مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است | ۱ |
| | **۲- در هر مورد حالت املایی درست را علامت بزنید.**<br>۱- گفت از (بهر-بحر) غرامت جامه‌ات بیرون کنم<br>۲- ما را چه (تحفه – تهفه) کرامت کردی؟<br>۳- کافور بر آن (زماد/ ضماد) کردند.<br>۴- تن ز جان و جان ز تن (مستور/ مسطور) نیست. | ۱ |
| | **۳- غلط‌های املایی را در متن زیر اصلاح کنید.**<br>هنگام چریق آفتاب به شهر رسیدیم و در آنجا اتراق کردیم. پیرمرد از کاذیهٔ روی میز چند حوالهٔ مخارج قریب شش ماه من را برداشت. | ۱ |
| | **۴- هر جمله را به ساخت دستوری آن وصل کنید. به پاسخ قلم‌خورده نمره‌ای تعلق نمی‌گیرد.**<br>او فداکار است. ❋ ❋ نهاد + مفعول + مسند + فعل<br>مردم به او دهقان فداکار می‌گویند ❋ ❋ نهاد + مسند + فعل<br>او بندهٔ خود را عاشق خود می‌کند ❋ ❋ نهاد + متمم + مفعول + فعل<br>❋ نهاد + متمم + مسند + فعل | ۰.۷۵ |
| | **۵- در هر مورد نقش کلمه تعیین شده را انتخاب کنید.**<br>الف) شهرداری شهر همدان<br>ب) یک چمن داغ<br>پ) دانش آموز پایه دوازدهم<br>ت) اسیر این جهان<br>ث) عشق حقیقی دل و جان را پاک می‌گرداند. | ۲.۷۵ |
| | **۶- فعل‌های مشخص‌شده را از نظر معنایی بررسی کنید.**<br>گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم گفت والی از کجا در خانهٔ خمار نیست؟ | ۰.۵ |

www-kanoon-ir

| | | |
|---|---|---|
| ۲ | **ب) قلمرو ادبی (آرایه‌های ادبی، تاریخ ادبیات و حفظ شعر) ۵ نمره** | |
| | **۷- «از قلم افتادن» در مصرع زیر کنایه از چیست؟** | ۰.۵ |
| | در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحبنظر نداشت | |
| | **۸- هریک از عبارات زیر را به آرایه مربوطه وصل کنید.** به پاسخ قلم‌خورده نمره‌ای تعلق نمی‌گیرد. | ۱ |
| | بادِ صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد ☐ ☐ تشبیه | |
| | باید حد زند هشیار مردم مست را ☐ ☐ استعاره | |
| | تا چشم بشر نبیندت روی/ بنهفته به ابر چهر دلبند ☐ ☐ جناس تام | |
| | پرده‌هایش پرده‌های ما درید ☐ ☐ حسن تعلیل | |
| | ☐ تضاد | |
| | **۹- درعبارت «بدان که از نام های حسن یکی جمال است و یکی کمال» کدام کلمات سجع دارند؟** | ۰.۵ |
| | **۱۰- آرایهٔ به کار رفته در هر بیت را انتخاب کنید.** | ۰.۵ |
| | صد تیغ جفا بر سر و تن دیدی یکی چوب تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند (تشخیص - تضمین) | |
| | محرم این هوش جز بیهوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست (حسن تعلیل - اسلوب معادله) | |
| | **۱۱- در بیت «با شیر سپهر بسته پیمان با اختر سعد کرده پیوند» اختر سعد و شیر سپهر استعاره از چیست؟** | ۰.۵ |
| | **۱۲- تمهیدات اثر کیست؟** | ۰.۵ |
| | **۱۳- فی حقیقه العشق اثر کیست؟** | ۰.۵ |
| | **۱۴- بیت زیر را تکمیل کنید.** | ۰.۵ |
| | وین نغمهٔ محبت بعد از من و تو ماند ..... | |
| | **۱۵- بیت زیر را تکمیل کنید.** | ۰.۵ |
| | ..... باید که خاک درگه اهل هنر شوی | |
| ۳ | **ج) قلمرو فکری (معنی و مفهوم شعر و نثر) ۸ نمره** | |
| | **۱۶- منظور نویسنده از عبارت** «از عقرب جراره به مار غاشیه پناه بردن» **چیست؟** | ۰.۵ |
| | **۱۷- منظور شاعر از نیستان در عبارت** «از نیستان تا مرا ببریده اند» **چیست؟** | ۰.۵ |
| | **۱۸- مصرع** «گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان» **به کدام صفت زشت اخلاقی اشاره می‌کند؟** | ۰.۵ |
| | **۱۹- در بیت** «پنهان مکن آتش درون را زین سوخته‌جان شنو یکی پند» **منظور شاعر از سوخته‌جان چیست؟** | ۰.۵ |
| | **۲۰- منظور از سرپر زدن در «به قول بیرجندی‌ها در این شهر یک سرپری زدیم.» چیست؟** | |

www-kanoon-ir

| | | |
|---|---|---|
| ۰.۵ | ۲۱- مولوی در مصرع «نی حریف هرکه از یاری برید» چه کسی را سزاوار همنشینی نی می‌داند؟ | |
| ۰.۵ | ۲۲- معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید. | |
| ۵ | الف- در عالم پیر هرکجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است | |
| | ب- خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است | |
| | ج- چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتی بان؟ | |
| | د- هرکسی از ظن خود شد یار من از درون من نجست اسرار من | |
| | ه- باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده | |
| | و- سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها فزون آید | |
| | ز- دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد . | |
| | ح- یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد | |
| | ط) امپراتوری‌های بزرگ هم مثل آدم‌های ثروتمند معمولا از سوءهاضمه می‌میرند. | |

« چون شیر به خود سپه شکن باش فرزند خصال خویشتن باش »